



پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۱۵ / سال یازدهم / مهر ماه ۱۴۰۱ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



خیزش جنبش کارگری در عسلویه





پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری
ایران کاری از کارگران سندیکایی
ایران، بر اساس منشور جهانی
سندیکاهای کارگری در راستای
تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر
۱۳۹۰/ چاپ تهران
(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آزر سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۱۵
 سال یازدهم / مهرماه ۱۴۰۱ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۲

پیروزی های کوچک مقدمه پیروزی های بزرگ! ص ۲۸

پیروزی دیگری برای بازنستگان! ص ۲۹

اتاق بازرگانی و اصلاح قانون کار! ص ۳۰

جرا مبنای آماری دفاع از افزایش سن بازنستگان غلط است؟ ص ۳۱

مصاحبه با مسوول سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران ص ۳۳

چرا با پول بیمه تکمیلی در مانگاه نمی سازند؟ ص ۳۷

برخی مراکز درمانی کرج بازنستگان را نمی پذیرند! ص ۳۹

شمار زنان سرپرست خانوار در ایران رو به افزایش است ص ۴۲

تجاوز جنسی، مرگ و جامعه ص ۴۳

شعری از هوشنگ ابتهاج ص ۴۴

تئوری ماشه ص ۴۵

سلام، سلام سندیکا ص ۴۷

سندیکا سنگر زحمتکشان ص ۴۹

ما چه می خواهیم! ص ۵۱

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

=کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

مراجعه کنید

تغییر در راه است!

بازداشت دانش آموزان، زندانی کردن دانشجویان، کشتن جوانان، به اسارت گرفتن مردم معترض، گلوله خوردن کودکان و نوجوانان، بستن دهان افراد مشهور و ... پیام آشکاری دارد: حاکمان حرفی برای گفتن ندارند.

خیزش کارگران پروژه ای نفت در عسلویه و در اعتراض به عقب افتادن دستمزدها که منجر به اعتصابی ۳ روزه برای جلوگیری از بی قانونی های پیمانکاران مافیایی و دخالت های بی جای عناصر غیرنفتی در حق خواهی ها رویداد و سپس همگامی با آنچه در جامعه می گذرد و راهپیمایی در فاز ۱۴ و سایت ۱ و ۲ پتروشیمی بوشهر، نوید تازه ای به جنبش آزادیخواهی داد. جنبش زیر پوست جامعه جریان دارد و به پیش می رود.

اینکه جنبش آزادیخواهی در میان نسلی جوان و نوجوان ریشه کرده است نشانگر درک آزادی در میان این اقشار به مدد رسانه های مجازی است.

بستری که سیاست های نئولیبرالیستی برای ویران کردن اقتصاد و جامعه در کشور ایجاد کرده است نتیجه اش رویدادهای یکماهه اخیر است. این رویدادها یک اتفاق نیست بلکه روند طبیعی در پیش گرفتن این سیاست می باشد.

نمی توان قدرت خرید مردم را با یک تصمیم ۴ برابر کاهش داد و زیر خط فقر و فلاکت برد و گرسنگی به مردم داد و منتظر این گونه اتفاقات نبود. نمی توان تحصیل را طبقاتی کرد و دانشجو و دانش آموز معترض را در خیابان ندید. نمی توان بیکاری را که محصول سیاست خصوصی سازی و رانتخواری است را بر جامعه تحمیل کرد و اعتراض مردم را انتظار نداشت. نمی توان زنان را تحقیر کرد، شان انسانی شان را منکر شد و توقع داشت که زنان آرام بنشینند. توهین به مردم و شعورشان را در صدا و سیما رواج داد و حرف های سخیف زد و فکر کرد که مردم دم فرو می بندند.

تغییر در راه است، چرا که جامعه و اجزایش تغییر کرده اند. کارگر، دانشجو، آموزگار، دانش آموز، هنرمند، روشنفکران، همگی با هم گامی به جلو برداشته اند.

برای رشد و تعمیق این تغییر باید منسجم شد و تشکل های مناسب ایجاد کرد. از ایجاد شوراهای محلات تا استفاده از تشکل های موجود همچون سندیکا‌های کارگری، تشکل های زنان، سازمان های دانشجویی. باید از این تشکل های آماده بهره برد و به آنها پیوست و قوی ترشان کرد.

حتا اگر این جنبش سرکوب هم شود، باز هم تغییر در راه است و باید به آن انسجام داد و منسجم تر به آن پیوست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

بازنشستگان سندیکای کارگران بافنده سوزنی

بازنشستگان فلزکارمکانیک

بازنشستگان صنعت چاپ

بازنشستگان شهاب خودرو

بازنشستگان مستقل قزوین

بازنشستگان مستقل رامهرمز

بازنشستگان مستقل بابل ۲۵ مهرماه ۱۴۰۱

این قافله را سر باز ایستادن نیست!



رویدادهای اخیر میهنمان آنچنان غم انگیز و دردآور است که نگرارش را سخت می‌کند. ماجرا ساده است. دختر جوانی در مرکز ارشاد می‌میرد و کشور دچار ناآرامی می‌گردد. این جنبش به حمایت خلق‌ها از همدیگر منجر شد و دختر جانباخته کرد نماد همه خلق‌ها برای اعتراض گردید. از بلوچستان تا آذربایجان و خراسان و اهواز. این خلاصه رویداد است اما گفتمان غالب اعتراضات مردمی پیامی روشن داشت: دیگر چنین روشی برای زمامداری نتیجه بخش نیست و حکومت نیز دیگر توان ایستادن در مقابل خواست مردم را ندارد. انبوه مطالبات ۴۰ ساله اخیر و ندادن پاسخی به این مطالبات و فقیرتر شدن هر روزه مردم با سیاست‌های نئولیبرالیستی بذر توفانی است که کاشته شده است. باز گذاشتن دست غارتگران، رانتخوران، قانون شکنان و عدم پاسخ مناسب مسوولین به بی‌قانونی در جامعه، جامعه را به امروز رسانده است.

برخلاف بخشی از مخالفین که در خارج از کشور قرار دارند و می‌خواهند این جنبش را زنانه کنند، این جنبش زنانه نیست و اصلی‌ترین شعارها در مورد آزادی است. به ویژه شعارها اصلن نشانی از خواستن رژیم سلطنتی و یا یک رژیم شبه مذهبی دیگر هم ندارد. در اعتراضات اخیر هرچند طبقه متوسط بود که به میدان آمد اما همه طبقات کشور را تحت تاثیر قرار داده است و کم‌کم محلات فقیر را نیز در بر گرفته است.

تمایز این جنبش با جنبش های ۹۶ و ۹۸، تغییر کیفیت و کمیت و شیوه سازماندهی و افراد شرکت کننده در آن است. این جنبش برخلاف جنبش ۹۶ و ۹۸ بر بستر معیشتی شکل نگرفت. هرچند که پتانسیل نهفته در آن اعتراض به سختی گذران زندگی می باشد، اما بر بستر آزادیخواهی جریان دارد و توانست تقریباً همه کشور را درنوردد. آزادی، اصلی ترین خواست معترضین است که هنوز هم ادامه دارد. کمیت آن در روزهای اول زنان را پوشش داد اما به تدریج مردان جوان و به ویژه دهه ۸۰ ها را به میدان آورده است. فرمانده سپاه قدس گیلان عبدالله پور در مصاحبه با خبرگزاری فارس می گوید: «غالب کسانی که در اعتراضات بودند نسل جدید بودند طوری که اکثر افراد بازداشت شده در آشوب های سال ۹۶ و ۹۸ حضور نداشتند و حتی جزو ارادل و اوباش شناسنامه دار نبودند» یعنی نسلی جدید که در دامان نسل دهه ۴۰ و دهه ۸۰ پرورش یافته اند به میدان آمده و شیوه سازماندهی آنان توسط فضای مجازی به گونه ای بود که ارتش سایبری کشور هم جا ماند. البته آوردن کلمه اوباش در این مصاحبه بیشتر برای لوث کردن جنبش بکار برده شد وگرنه همگان می دانند اوباش همیشه عصای دست رژیم های سرکوب گرند و در جنبش آزادیخواهی از مشروطیت تاکنون همیشه نقش بازدارنده را داشته اند، که می توان به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و جنبش ۸۸ و ۹۸ اشاره کرد. باید در نظر داشت که اوباش نیروی ذخیره داعش در افغانستان و عراق بوده و در صورت ضعف تشکیلاتی جنبش کنونی، این نیروی ذخیره که از کشتن و چپاول ترسی ندارد در خدمت نیروهای ارتجاعی از سلطنت طلبان تا نیروهای شبه مذهبی خارج از کشور قرار گرفته و کشور مورد تهدید تجزیه قرار خواهد داد. آمدن اوباش به میدان، پاسخ ندادن به مطالبات انسانی مردمی است که خواهان آزادی، گفتگو، بهتر شدن وضعیت معیشتی مردم، جلوگیری از رانت و اختلاس های هر روزه است.

تمامی تلاش بنگاه های اطلاع رسانی از بی بی سی، وی او ای، اینترنشنال گرفته تا ارادل و اوباش نفوذی در جنبش، تلاش کردند این جنبش را سرکردگی کنند اما ناکام ماندند. البته نمی توان ماموران پوششی رادیوهای بیگانه را در تظاهرات برای رصد جنبش و ارسال خبر نادیده گرفت.

تجربه انقلاب ۵۷ به ما می آموزد که مراقب منحرف کنندگان جنبش باشیم . هنوز از یادمان نرفته است که سینما رکس آبادان برای انحراف جنبش آتش زده شد، مشروب فروشی ها به دست اوباش ویران شد، بانک ها به دست ساواکی های نفوذ کرده در میان مردم غارت شد. به جای شعار آزادی و عدالت، شعارهای بی محتوا و مبهم مطرح شد پس باید هوشیار بود .

تلاشی که ما در لهستان با همکاری لخ والسا و انقلاب های نارنجی دهه گذشته تجربه کرده بودیم و در سالهای اخیر با شکست روبرو شده است، امروز دوباره در کشور ما تمرین می شود. در این شکل از نفوذ، اوباش سازماندهی شده از سوی مافیا اگر مطالبه برداشتن روسری است آنان به زنان محجبه حمله کرده و یا قرآن می سوزانند و یا مساجد را به آتش می کشانند و حتا از برهنه شدن زنان در خیابان های تهران حمایت کرده فیلم هایی برای سرکوب جنبش تهیه می کنند. در این میان تلاش می کنند از نوجوانان بی تجربه در هر دو سوی ماجرا سواستفاده کنند برخی را در این سو تحریک کنند تا به جماعت منحرف کننده جنبش بپیوندند و جمعی را نیز کاسکت به سر برای سرکوب همین نوجوانان به خیابان بیاورند. لیدرهای اوباش سازماندهی شده که از روز سوم اعتراضات به میدان آمدند قرار بود خوراک لازم را برای سرکوب تهیه کنند و جنبش را به انحراف ببرند. همه می دانند که مردم عادی نه تفنگ ساچمه ای دارند و نه به دنبال تخریب هستند بلکه این کار اوباش است.

بی سر بودن جنبش هم نقطه مثبت و هم نقطه منفی آن به شمار می رود. اما بی سر بودن جنبش آن را از یک دورنمای برنامه ریزی شده و متشکل محروم کرده و مردم با فرسایشی شدن و زمان بردن اعتراضات خسته شده به خانه ها برمی گردند. هرچند که در کردستان و بلوچستان به دلیل حضور نیروهای سیاسی با هر بینشی چه مثبت و چه منفی، اعتراضات برنامه ریزی شده تر، گردید که متاسفانه با شورایی نشدن این جنبش و به محاق رفتن خردجمعی، سرکوب به بیرون از مرزها نیز راه یافت.

حضور دانشجویان و پیوستن آنان به جنبش کمی از این بی سر بودن جنبش را پوشش داد اما مختص کردن اعتراضات به محیط دانشگاه دسترسی مردم و

پیوستن آنان را به همدیگر محدود کرده و جنبش را در دانشگاه محبوس می کند. هر چند که آنان در راه است و ۱۶ آذر نزدیک و این دو می تواند جنبش زیر خاکستر را توسط شبکه سراسری دانشجویی شعله ور کند. هر چند با آمدن دانش آموزان به میدان تغییر در کمیت و کیفیت جنبش رخ داده است اما هنوز جنبش کارگری آمادگی پیوستن به این اعتراضات را ندارد.

موضوعی که شاید کمتر به آن پرداخته شده است همدلی نیروی پلیس است که از دو سال پیش کنشگران بازنشستگان آن را تجربه کرده اند، می باشد. اینکه چرا گارد ویژه، نیروهای شبه نظامی، و حتا اوباش به جای نیروی انتظامی به میدان فرستاده شد موضوعی است که باید به آن موشکافانه نگاه کرد.

آنچه به مردم ایران مربوط است ایجاد فضایی برای گفتگو و همدلی برای عقب راندن تفکری که حیات خود را در رانت و چپاول می بیند و برای آن محمل هایی انحرافی چون حجاب را تدارک می بیند و خشونت را چاشنی آن می کند، است. سندیکاهای کارگری، بازنشستگان، فرهنگیان، پرستاران، کارگران پروژه ای برای بهبودی وضعیت معیشتی و همچنین داشتن تشکل مستقل از دولت سالهاست که به میدان آمده اند و در شش ماه اخیر نشان دادند که به قانون گریزی لگام می زنند.

همانطوری که در اعلامیه سال ۹۸ اعلام کردیم دوره چرخش اعتراضات به دوسال رسیده است و اگر در این سالها اعتراضی نبود به دلیل همه گیری کرونا بود وگرنه اعتراضات با هر محملی به یک اعتراض سراسری تبدیل خواهد شد و این قافله اعتراضات تا زمان به مطلوب نرسیدن خواسته ها و حل مشکلات اساسی مردم باز نخواهد ایستاد و نمی توان با زبان دیروز به خواسته های امروزی پاسخ داد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۷ مهرماه ۱۴۰۱

ما معترضیم و اعتراض حق ماست!



در اعتراضات اخیر نزدیک به ۱۰۰ نفر کشته نظامی و غیر نظامی، مجروحین نامعلوم، و بیش از ۵ هزار نفر دستگیر و پرونده سازی شده اند. فقط در زندان تهران بزرگ تا سه روز پیش، بیش از ۵۰۰ جوان

زندانی بوده اند. در میان کشته شدگان اخیر تعدادی از کارگران دیده می شوند. پرسش این است:

دستگیری خبرنگاری که وظیفه اش اطلاع رسانی است، برای چیست؟

کشته شدن نوجوانان به چه دلیل صورت گرفته است؟

بازداشت فعالان دانشجویی آیا تاکنون مانع اعتراضات شده است؟

آنچه که امروز در کشورمان رخ می دهد خشونت لجام گسیخته ای است که خود نیز نمی داند به کجا می خواهد برسد؟ با وصل کردن اعتراضات اخیر به بیرون از مرزها جز آنکه ناتوانی خود در برخورد با مشکلات مردم، پنهان شود، نتیجه ای نداشته است.

دختران و پسران ایرانی شایسته گلوله نیستند و نمی توان با زبان دیروز با آنان سخن گفت. آزادی جزئی از زندگی انسانهاست و محدود ناشدنی است. مردم خواهان عدالت هستند و آن را بدست خواهند آورد. هیچکس نمی تواند اعتراض را که حق طبیعی هر انسان و جامعه ای است را محدود کند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران با هموطنانی که عزیزانشان جانباخته، مجروح شده اند و یا در زندان هستند، همدردی می کند و خواهان پایان یافتن هرچه زودتر خشونت و آزادی همه زندانیان اخیر و کنشگران صنفی و مدنی است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۶ مهر ۱۴۰۱

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

مبارزه طبقاتی، اصلی قانونمند و گریزناپذیر است که مستقل از اراده و ذهنیت نیروها و فعالان سیاسی در جامعه هایی که اقتصاد سیاسی شان بر اساس نظام سرمایه داری بنا شده است به طور دائم در کار است .

در مرحله کنونی مبارزه برای تغییر در کشور، هدف نخست و اولویت جنبش کارگری و مردمی، گذار از جامعه ای بسته با نگاه امنیتی به سوی آزادی های انسانی و دفع کامل برنامه های نولیبرالیسم اقتصادی است.

ماه مهر، ماه عشق به انسانیت و ایثار و دانش، شادباش!

آنکه او امروز در بند شماست

در غم فردای فرزند شماست

در آغاز سال تحصیلی، آموزگاران در بندمان را از یاد نبریم که به جامعه و فرزندان ایران زمین درس شجاعت، انسانیت و عقلانیت دادند.

دروذ بر اسماعیل عبدی، رسول بدقی، جعفر ابراهیمی، هاشم خواستار، محمد حبیبی، مهدی فتحی که دیوارهای زندان، از زندانی کردنشان شرم دارد.

از یاد نبریم دختر دلیرمان سپیده قلیان، زن مبارزه و سپید موی ما رفیق کارگران عالیله اقدام دوست که در اعتصاب سال ۱۳۹۹ کارگران پروژه ای یار و یاور اعضای سندیکا بودند. همچنین دو کنشگر سندیکایی رضا شهابی و حسن سعیدی که برای بهتر شدن زندگی کارگران، در بند هستند.

و دیگر خواهان و برادرانی که برای اعتلای ایرانی سربلند جوانی شان را در حصارهای زندان می گذرانند.

در سال تحصیلی جدید، حمایت بی‌دریغ خودمان را از کلیه کارگران زندانی، آموزگاران، کنشگران مدنی اعلام کرده و بی‌گناهی زندانیان اعتراضات کنونی را فریاد می زنیم و برای آزادی بی قید و شرط شان همه شان می کوشیم.

به فرزندانمان خواهیم آموخت شجاعت، آزادگی و عدالت خواهی درس اول زندگی شرافتمندانه است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

اول مهرماه ۱۴۰۱

اطلاعیه



آن که او امروز در بند شماست

در غم فردای فرزندِ شماست

خشم عمومی نسبت به جان باختن دختری از فرزندان ایران که می توانست با تدبیر و شفاف سازی در مسیری درست قرار گیرد امروز به اعتراضی عمومی به بی تدبیری همه دست اندرکاران این موضوع تبدیل گشته است. به گزارش صدا و سیما تاکنون ۱۷ نفر در اعتراضات اخیر از نظامی و غیرنظامی جان باخته اند و بی تردید عده زیادی نیز دستگیر و هزاران پرونده نیز برای افراد گشوده شده خواهد شد.

اعتراضات مردم تنها به مرگ یکی از فرزندان خود نیست چرا که هر روزه فرزندان ایران از فقر، فحشا و بی دارویی میمیرند از کولبر و کودک کار گرفته تا حوادث کار که تدبیری برای این موضوعات اتخاذ نشده است.

خشم متراکم مردم، از تدابیر ضد مردمی که بیش از ۴۰ سال توان معیشتی مردم را گرفته و در جراحی اقتصادی امسال ۴ برابر قدرت خرید مردم را نشانه رفته است، نشات می گیرد. سالها رانتخواری و کارخانه تولید آقازاده های فاسد و اختلاس های هر روزه که از جیب مردم به سرقت می رود باعث این خشم عمومی گشته است.

نسبت دادن این خشم عمومی به خارج از ایران نشانه کامل به انحراف بردن موضوع و بی تدبیری مسوولان کشور است. بیکاری، فقر، گرانی هر روزه، فحشا، روند صعودی دزدی آن هم در پیش چشم همگان، افزایش خودکشی در میان نوجوانان و رکورد زدن افزایشی اختلاس ها در کنار عیاشی عده ای آقازاده و یا کسانی که سر زده بر سر سفره انقلاب آمده و این سفره را ملک خود می دانند و مجوز هر غلطی را برای خانواده خود مجاز می دانند باعث این خشم عمومی است. احتیاجی نیست از بیرون مرزها کسی برای تحریک مردم به داخل بیاید چون در هر مغازه ای این تحریک با مشاهده گرانی ها صورت می گیرد.

این خشم نه با کشتار، نه با سرکوب و زندانی کردن شهروندان، نه با پلیس های نقاب به چهره زده خاموشی نخواهد گرفت. آزادی و عدالت تنها راهکاری است که می بایست در پیش گرفته شود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱ مهر ۱۴۰۱



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

مشکلات کارگران ذوب آهنی و مدیریت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه بیش از ۵۰ سال از عمر کارخانه ذوب آهن می‌گذرد اما هنوز مدیریت نتوانسته تشخیص بدهد که چه مشاغلی سخت و زیان آور برای کارگران می‌باشد تا آنان را در لیست این مشاغل قرار دهد. در هفته جاری شورای معاونین ذوب آهن در جلساتی به این امور پرداخته اند. آیا خنده دار نیست که بعد از ۵۰ سال هنوز مدیریت نمی‌تواند تشخیص بدهد که چه شغلی سخت و زیان آور است؟ و یا آزمایشات سالیانه طب کار کارکنان را برنامه ریزی کند؟ و یا برای تامین وسایل ایمنی و بهداشتی کارکنان، باید انبارداران از مدتها قبل از تمام شدن وسایل اقدام به خرید این وسایل کنند تا کارگران بدون وسایل ایمنی سرکار نروند؟

مدیریت ذوب آهن نمی خواهد از سود خود برای این مسایل اقدام کند. کارگران ذوب آهنی خود باید از طریق نمایندگانشان به این امور رسیدگی و برای یک بار موضوع را فیصله بدهند

مدیریتی که در سطح مینی بوس هم نیست!



ایران خودرو

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه دو هفته پیش مدیرعامل ایران خودرو برای بهبود وضعیت سرویس های حمل نقل خود راسا بازدید به عمل آورد و اعلام نمود که وضعیت خودروهای حمل و نقل کارکنان ارتقا کیفی یافته است، کارگران اعلام کرده اند که مینی بوس خط وحیدیه بسیار کوچک و کثیف است. این مینی بوس بسیار فرسوده بود و صندلی هایش پاره و سیستم سرمایشی و گرمایشی ندارد.

به این مدیریت که حتا نمی تواند مینی بوس های شرکت را مدیریت کند چه باید گفت؟

کارگران پروژه ای را آزاد کنید!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۱۲ کارگر دستگیر شده در سایت ۱ پتروشیمی بوشهر بیش از ۳ روز است که در بازداشت به سر می برند. نیما غلامی، رسول نوروزی، حسین سلحشور، رضا کوراوند، امید کوراوند، امین علیزاده، آرمان کاوسی، اصلان سواری، حسن احمدی، صمد رفیعی، ساسان رفیعی و معصومی، اسامی کارگران پروژه ای بازداشت شده است.

واقعیت این است که از یک طرف بر اثر بی عدالتی اجتماعی برآمده از فساد، گرانی و از سوی دیگر باز گذاشتن دست پیمانکاران طماع توسط شرکت نفت و عدم بازرسی مرتب دستگاه بازرسی وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی ظلم مضاعفی به کارگران پروژه ای روا داشته می شود. عقب انداختن حقوق ها بیش از دو ماه، رد کردن لیست کارگران متخصص به عنوان کارگر ساده و به جیب زدن حق بیمه این کارگران و کلاه گذاشتن بر سر تامین اجتماعی و شرایط سخت زیستی و ناگوار کارگران پروژه ای در پروژه ها، نهادینه شدن

اجرای برنامه‌های نئولیبرالی اقتصادی و آسیب‌پذیر شدن اقتصاد کشور، آسیب‌های جدی به معیشت کارگران زده و جو بی‌اعتمادی در جامعه را باعث گردیده است. مدت‌هاست که امنیت ملی و امنیت اقتصادی-اجتماعی به‌شدت ضعیف و در معرض خطر قرار گرفته است. اکثر مردم ایران، یعنی طبقه کارگر و دیگر لایه‌های زحمتکشان شهر و روستا، به درستی هم نگران وضعیت معیشت خود و هم نگران آینده خود و کشورند. اکثر مردم شاهد وخیم‌تر شدن وضعیت فلاکت بار اقتصادی، نبود یا کمبود خدمات اجتماعی و بی‌ثباتی اجتماعی‌اند. امنیت ملی در صورت داشتن زندگی شایسته و کوتاه شدن دست مفتخوران بدست می‌آید. امنیت ملی را نه آقازاده‌ها و مسوولین خطاکار بلکه کارگران و محرومین جامعه حفاظت خواهند کرد، که می‌کنند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از مسوولین پتروشیمی بوشهر می‌خواهد با مراجعه به دستگاه‌های مربوطه، آزادی کارگران را موجب شوند. از آقای جعفرزاده سرپرست شرکت سازه پاد که شبانه روز به دنبال آزادی این کارگران است سپاسگزاریم و امیدواریم هرچه زودتر این کارگران به سرکار خود بازگردند.

اعتراضات به حق کارگران پروژه ای!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۰ مهرماه بعد از اعتراضات کارگران فاز ۱۴ کنگان در مورد عقب افتادن حقوق‌ها و همچنین مسایل مطرح در این روزهای وطنمان و اعتصاب در خوابگاه‌ها، با خبر شدیم با واریز حقوق‌های عقب افتاده یکی از مسوولین امنیتی نظامی به خوابگاه کارگران شرکت پایندان رفته و با دلجویی از آنان در مورد موضوعات روز برایشان صحبت کرده است و اعلام نموده دیگر حقوق‌ها عقب نخواهد افتاد و از کارگران خواسته است به کار برگردند. اما متأسفانه ۴ کارگر از شرکت‌های زیر مجموعه پایندان دستگیر و به بیرون فاز برده شده‌اند. کارگران فاز ۱۴ خواهان بازگشت به کار همکارانشان هستند.

در پالایشگاه آبادان شرکت اکسیر نیز بعد از اعتراضات کارگران حقوق های عقب افتاده را پرداخت کرده و کارگران به کار بازگشته اند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران خواهان بازگشت به کار کارگران پروژه ای شرکت پایندان است و از مسوولین شرکت پایندان می خواهد تمامی تلاش خود را برای بازگرداندن این کارگران به پروژه به کار ببرد.

اعتصاب برای عقب افتادن حقوق ها!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اعتصاب در سایت ۱ و ۲ پتروشیمی بوشهر به دلیل عقب افتادن چند ماهه حقوق های کارگران پروژه ای از چند روز پیش شروع شده است. امروز هم کارگران پروژه ای فاز ۱۴ به اعتصاب پیوستند که با گفتگو با مسوولین فعلن به خوابگاهها بازگشتند.

از پالایشگاه آبادان خبر می رسد که شرکت سکاف امروز حقوق مرداد ماه کارگرانش را پرداخت کرده است و یک ماه عقب افتادگی حقوق دارد.

با آنکه از قبل هشدار داده بودیم که عمل نکردن به قوانین کمپین ۱۰/۲۰ عواقبی دارد اما نه پیمانکاران و نه بازرسی های شرکت نفت و وزارت کار موضوع را جدی نگرفته بودند. امروز توفان خشم کارگران نتایج گردن کلفتی پیمانکار و نادیده گرفتن خواست های قانونی کارگران از سوی بازرسی های نفت و وزارت کار است.

به کارگران توصیه می کنیم آرامش خود را حفظ کرده و اجازه ندهند خواسته های به حقشان رنگ خشونت بگیرد. با انتخاب نمایندگان خود، با مسوولین وارد مذاکره شوند. سندیکا همچنان حامی آنان است.

گزارشی از دیدار با مسولین نفت و گاز!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بیش از ۲۰ نماینده کارگران سکوه‌های گازی پارس جنوبی امروز ۲۰ شهریور از ساعت ۸ صبح با ایستادن در مقابل شرکت ملی نفت به دیدار مسولین نفت و گاز رفتند. در این دیدار اعتراضی که نماینده کارگران پروژه ای مازیار گیلانی نژاد نیز آنان را همراهی می کرد خواسته های خود را به مسولین نفت و گاز از جمله آقای کاظمی مسول مالی، اعتمادی، متجلی بیان کردند. ۱- اضافه کاری ۶۰ ساعت محاسبه شود ۲- مبلغ ایاب ذهاب توسط شرکت داده شود و در صورت امکان برای صرفه جویی در وقت بلیط پرواز گرفته شود ۳- پایه سنوات طبق اداره کار محاسبه شود ۴- یک پی سر هر ماه با حقوق محاسبه شود تا در بازنشستگی تاثیر مثبت داشته باشد ۵- طرح طبقه بندی مشاغل به گونه ای محاسبه شود که کف حقوق دریا از سقف خشکی بیشتر باشد.

کارگران در جلسه گفتند: «کارفرمای مادر «شرکت نفت و گاز پارس» است؛ آیا این شرکت نباید بر عملکرد پیمانکاران زیرمجموعه‌ی خود و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل نظارت کند؛ صدها کارگران پیمانکاری سکوه‌های گاز، از حق و حقوق قانونی خود محروم مانده‌اند؛ با اجرای طرح طبقه‌بندی انگیزه و نشاط به سکوها باز می‌گردد؛ این عادلانه نیست که در شرایط سخت کار کنیم و از طبقه‌بندی محروم باشیم. ما کارگران سکوه‌های گازی پارس جنوبی بعد از گذشت سال‌ها هنوز چشم به راه اجرای عادلانه طرح طبقه بندی مشاغل هستیم و وعده‌های داده شده توسط مسولین در خصوص اجرای صحیح این طرح محقق نشده است!»

مسولین نفت و گاز از کارگران مهلت یکماهه خواستند تا موارد را بررسی و به آنان اعلام کنند. در این دیدار گیلانی نژاد گفت: «وقتی نیروها کیلومترها می کوبند تا به اینجا بیایند به این معنی است که خواسته های آنان برای نفت و گاز اهمیت ندارد. برای رفع مشکلات کافی است مسولین نفت و گاز به محل کارگران بروند تا هم رنج آنان را در دمای ۶۰ درجه حس کنند و هم بهتر با مسایل کارگران برخورد کنند» بعد از این دیدار کارگران به محل کار خود بازگشتند.

چرا شرکت های پیمانکاری شاغل در عراق و ترکیه تحریم کارگری هستند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، آگهی های بسیاری برای کار در عراق و ترکیه از طرف افراد در گروههای کاریابی کارگری گذاشته می شود. بارها کارگران از ما پرسیده اند چرا این آگهی های کار را تایید نمی کنیم؟

در درجه اول قول هایی که این افراد برای کار، جای خواب، ویزا می دهند در عمل دروغ از آب در می آید و هیچ ضمانت اجرایی ندارد. اینجا حقوق را بالا طی می کنند ولی بعد از اینکه از شما در آنجا تست گرفتند می گویند استاندارد اینجا با ایران فرق می کند و شما مثلن جوشکار درجه یک نیستی پس حقوق شما خیلی پایین تر است. در حالی که استاندارد جوشکاری ایران به دلیل اینکه تحت آموزش های انگلیس و آلمان است از همه کشورهای حوزه خلیج بالاتر و حتا در خود آلمان مورد قبول است. این اولین ترفند پیمانکاران.

دوم اینکه شرکت های پیمانکاری هیچ قراردادی در اینجا با کارگر نمی بندند چرا که می دانند کارگر می تواند با این قرارداد از آنها شکایت کند. برخی هم که زرنگ تر هستند قراردادی می نویسند که اگر از آنها بپرسی که این قراردادها را وزارت کار تایید می کند می گویند به وزارت کار مربوط نمی شود. در حالی که اگر شما قراردادی در ایران بنویسید برای کار در خارج از کشور، به جز اینکه این شرکت باید دارای مجوز استخدام کارگر باشد مهمتر از همه این است که اگر شرایط کار و جای خواب و پرداخت نشدن حقوق آن چیزی که در قرارداد نوشته شده نباشد، کارگر می تواند از کنسولگری و یا در ایران پیگیری نماید.

به همین دلیل دوستان در صورت تمایل به کارکردن در خارج از کشور به سندیکای ما خبر داده و مشورت بگیرند، بعد اقدام به رفتن به کشور مورد نظر بکنند.

اعتصاب در ماهشهر!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۷ شهریور کارگران پروژه ای مخازن کروی ماهشهر به پیمانکاری کیوانی دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که در محوطه شرکت شکل گرفته و تاکنون پاسخی از مدیران شنیده نشده است در اعتراض به عقب افتادن حقوق ها از مرداد تاکنون و پرداخت ۳ مرحله ای حقوق تیرماه بوده است. این کارگران می گویند: «وضعیت افتضاح غذا و خوابگاه و تایم زیاد کاری و پرداخت نکردن به موقع حقوق» عامل اصلی این اعتصاب می باشد.

کارگران باید تلاش کنند تمامی موارد قانونی کمپین ۱۰/۲۰ را در شرکت خود اجرایی کنند.

عقب افتادن دستمزدها و توفان اعتصابات در عسلویه!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، کارگران پروژه ای پتروشیمی دنا فاز ۲ عسلویه امروز ۲۰ شهریور در اعتراض به عقب افتادن دستمزدها و حق بیمه از تیرماه تاکنون دست از کار کشیده و در محوطه پتروشیمی اعتصاب کردند. همچنین کارگران پروژه ای پتروشیمی اسلام آباد ساخت مخزن و پایپ راک به پیمانکاری قیطاسی نیز به دلیل دریافت نکردن دستمزدهایشان از تیرماه تاکنون دست به اعتصاب زدند. همچنین از فردا اعتصاب سراسری رانندگان جرثقیل برای مطالبه حقوق و مزایا و مرخصی قانونی خود چه آنانی که در استخدام شرکت ها هستند و چه آنانی که دارای جرثقیل از خود هستند آغاز خواهد شد.

گزارش از سایت ۱ پتروشیمی بوشهر!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، سایت ۱ پتروشیمی بوشهر از لحاظ پرداخت حقوق و بیمه وضعیت افتضاحی دارد. در حال حاضر شرکت استیم هنوز حقوق و بیمه تیرماه کارگرانش را نداده است. شرکت های خلافکار دیگری که قبلاً گزارش شان را داده ایم به این قرار هستند: شرکت روژین صنعت، شرکت کیسون، شرکت جهان پارس، شرکت ستاره تراز، شرکت ماشین سازی اراک. در شرکت ستاره تراز بیش از ۳ ماه است که بیمه کارگران رد نشده و سابقه کارگران سوخت خواهد شد.

شرکت سامان افسا نارین خلافکار را بشناسیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت سامان افسا نارین به پیمانکاری نجف پرتو زیر مجموعه شرکت oeid حقوق کارگران را از تیرماه تاکنون پرداخت نکرده است. این شرکت بدحساب حقوق کارگران را بصورت تکه تکه به آنان پرداخت می کند و بیمه همه کارگرانش را هم کارگر ساده رد می کند. این شرکت نه تنها مقررات کمپین ۱۰/۲۰ را رعایت نکرده است بلکه با پررویی کارگران را مسخره کارهای خود کرده است. از همه کارگران می خواهیم این شرکت بدحساب را که دستمزدهای پایین به کارگران می دهد را تحریم کارگری کرده و برایش کار نکنند تا بی کارگر مانده و از پروژه ها حذف شود.



همدلی و برادری در بین پرسنل اقماری نفت در گرمای بیش از ۶۰ درجه

فیلمی کوتاه از متخصصین صنعت نفت در یک دکل حفاری: در این فیلم یکی از حفارمردان خود در زیر آفتاب سوزان بیش از ۶۰ درجه برای آنکه همکارش راحت تر بتواند کار کند و از گزند آفتاب سوزان دور باشد بوسیله یک کارتن برای او سایه ایجاد کرده است. درودبراین غیرت و همدلی و مردانگی. آیا حق این کارگران را نباید داد و برای اعتراض شان آنان را باید بازداشت کرد؟ دیروز ۵۶ تن از این عزیزان را در مقابل شرکت نفت بازداشت کردند

کشتار کارگران ادامه دارد!

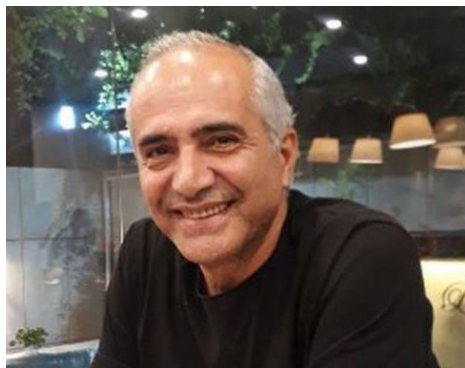


به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکاران برای اینکه سود بیشتری ببرند از نوجوانان زیر سن قانونی و بی تجربه برای کار استفاده می کنند. فردین بداغی نوجوان ایده ای که در پیمانکاری سلحشور و در مخازن جاسک کار می کرد به دلیل بی شرفی و بی شعوری کارفرمایش جان باخت.

پیمانکاری سلحشور یکی از بدنام ترین پیمانکاران پروژه ای است. او مثل برده با کارگزارانش رفتار می کند. اضافه کار اجباری شبانه بدون ایمنی و نور کافی و شرایط مناسب کار متأسفانه باعث گردید تا فردین در تاریکی و نبود نور کافی سقوط کرده و جان ببازد.

بارها به کارگران گفته ایم که وقتی ایمنی و شرایط مناسب کار فراهم نیست نه تنها خود کار نکنید بلکه جوانان بی تجربه ای مانند فردین را هم نگذارید کار کنند. فردین جان یادت در قلب ما زنده است و در کنار خانواده داغدارت هستیم.

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



داود رضوی کماکان در بند ۲۰۹ زندان اوین و تحت بازجویی به سر می برد.

داود رضوی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، طی تماس تلفنی با خانواده ی خود اطلاع داد که کماکان در انفرادی محبوس بوده و بازجویی ایشان به پایان نرسیده است. داود رضوی در تاریخ ۵ مهر ماه بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل گردید، اما تا امروز خانواده ایشان موفق به ملاقات با او نشده اند. داود رضوی به علت مشکل عفونت فک و دندان و عدم هضم مناسب غذا با مشکل معده مواجه شده و هم چنین دچار گزگز و بی حسی انگشتان دست شده است که به دنبال علائم به بهداری زندان مراجعه داده شد، اما طبق قوانین زندان دسترسی ایشان به داروی معده درد محدود می باشد، لذا انتظار می رود امکان معاینه مناسب و دسترسی به دارو و درمان مناسب در اختیار ایشان قرار بگیرد. سندیکای کارگران شرکت واحد بار دیگر بازداشت داود رضوی و دیگر فعالین صنفی

در روزهای اخیر را به شدت محکوم می کند و خواهان آزادی فوری ایشان و دیگر نمایندگان و فعالین زندانی سندیکا، رضا شهابی و حسن سعیدی، می باشد .

کلیه فعالین کارگری، معلمی، دانشجویی، فعالین جنبش زنان و دانش آموزان و معترضین بازداشتی آزاد باید گردند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۹ مهر ۱۴۰۱

نامه سرگشاده حسن سعیدی، عضو زندانی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه



سناریوسازی نخ نما و دروغ پردازی وزارت اطلاعات و پخش آن از صدا و سیما محکوم است!

کارگران زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی، کارگران شریف ایران و حقیقت جویان، اینجانب حسن سعیدی، عضو زندانی سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی، با توجه به ادعاهای کذب و خلاف واقع که توسط وزارت اطلاعات از شبکه یک سیما پخش شد و پیش از این نیز در چند مورد فیلم هایی در این رابطه از شبکه های دولتی پخش شده است، به رغم رسوا و نخ نما بودن شان، لازم دانستم پاسخی شفاف جهت آگاهی افکار عمومی ارائه نمایم.

۱- قطعا فعالین سندیکایی فرانسوی، خانم سیسیل کوهلر و آقای جک پاریس تحت شرایط خاص بازداشت شان، اعترافات خلاف واقع و اجباری علیه اینجانب و سندیکای کارگران شرکت واحد کرده اند. ۲- دیدار علنی سه تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد در رستورانی در تهران با خانم سیسیل کوهلر و آقای جک پاریس برای آشنایی سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای (FO) فرانسه و امکان سنجی ارتباط دو سندیکا بوده است. سندیکای کارگران شرکت واحد از زمان بازگشایی سندیکا به صورت علنی ارتباط با سندیکاهای کارگری کشورهای مختلف را در دستور کار خود داشته است و اخبار آن را منتشر نموده است. در این رابطه برخی از اعضای سندیکا به نمایندگی از سندیکای کارگران شرکت واحد سفرهایی خارج از کشور به دعوت رسمی و علنی اتحادیه های کارگری شناخته شده منجمله سندیکاهای کارگری فرانسه، که از جمله شامل شرکت در اجلاس سازمان جهانی کار که دولت جمهوری اسلامی ایران عضو هیات مدیره آن است، داشته اند. ۳- ادعای مشمنز کننده دریافت پول از خانم سیسیل کوهلر و آقای جک پاریس توسط اعضای سندیکا که مبتنی بر اقرار تحت شرایط بوده است را قویا تکذیب می کنم و به تبع آن دیگر اقرار این دو عضو سندیکای (FO) فرانسه در مورد دریافت پول برای مصارف استخدام افراد برای حضور در تجمعات، تامین مالی اعضای سندیکا، تامین مالی کارگران اخراجی، تامین مالی دستگیرشدگان سندیکایی و خرید اسلحه که مضحک ترین ادعای مطرح شده در این فیلم می باشد را رد می کنم. ۴- در فیلم منتشر شده ادعا شده است که کارگران شرکت واحد و معلمان در پی دیدار با این دو عضو سندیکای (FO) فرانسه و تأثیرپذیری از آنان تجمعاتی اعتراضی برگزار کرده اند و ناشیانه فیلم های اعتراضات پیش از حضور این دو عضو سندیکای (FO) را در آن گنجانده اند، اما با مراجعه به کانال تلگرام سندیکای کارگران شرکت واحد مشخص می شود که فیلم مربوط به تجمع کارگران شرکت واحد در مقابل مجلس در آبان ماه

۱۳۹۵ بوده است. ۵- ادعاهای کذب نسبت به اینجانب و آقایان شهابی و رضوی، همچنین پرونده سازی برای مترجمین خوشنام خانم آئیشا اسدالهی و آقای کیوان مهدی، و نیز فعالین صنفی معلمی، در قالب پخش چند باره فیلم از طریق شبکه های مختلف سیما در حالی صورتی گرفته است که بر اساس قانون جاری کشور پیش از صدور حکم نهایی دادگاه، مجرم قلمداد نمودن افراد جرم محسوب می گردد. لذا حق شکایت از وزارت اطلاعات و صدا و سیما و پخش دفاع خود به همان میزان از شبکه سیمای مربوطه را محفوظ می داند.

سندیکای کارگران شرکت واحد در هر شرایطی همواره از حقوق کارگران شرکت واحد و همبستگی با سایر کارگران، و از حقوق آنها، دفاع نموده است.

کارگر زندانی، حسن سعیدی بند ۴ زندان اوین

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۹ مهر ۱۴۰۱

۲۳ مهر: دادگاه حسن سعیدی بدون حضور وی برگزار گردید.

امروز ۲۳ مهر ۱۴۰۱، وقت دادگاه کارگر زندانی، حسن سعیدی، بود. اما رئیس زندان اوین شرط اعزام حسن سعیدی به دادگاه را پوشیدن لباس زندان اعلام کرد. از آنجا که حسن سعیدی، همانطور که قبلا نیز اعلام کرده بود، حاضر به پوشیدن لباس زندان نگردید، مسئولین زندان از انتقال ایشان به دادگاه ممانعت بعمل آوردند. قاضی افشاری علیرغم اطلاع از دلیل عدم حضور این کارگر زندانی، دادگاه را بدون حضور وی برگزار نمود و وقت مجدد برای برگزاری دادگاه با حضور حسن سعیدی اعلام نکرده است. وکیل آقای سعیدی در دادگاه حاضر شد، و به دلیل وجود ابهامات در پرونده، قرار بر این شد که پس از رفع ابهام، لایحه دفاعیه را ۲۵ مهر به دادگاه ارائه دهد. مقامات دادگاه

همچنین از حضور خانم نسرین رحیمی همسر حسن سعیدی در دادگاه به دلیل نپوشیدن چادر ممانعت کردند؛ این در حالی است که پوشش وی کاملاً مطابق با قوانین رسمی کشور بوده است. حسن سعیدی از اولیه ترین حقوقش که حضور در دادگاه برای دفاع از خودش است محروم شده است. اجبار به پوشیدن لباس زندان جهت حضور در دادگاه هیچگونه وجاهت قانونی و انسانی ندارد، و در واقع تلاشی است ناعادلانه و بیهوده برای در هم شکستن مقاومت این کارگر سندیکایی .

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اجبار بر پوشیدن لباس زندان برای حضور در دادگاه و برگزاری دادگاه برای عضو زندانی خود، حسن سعیدی، بدون حضور ایشان را مصداق کامل ظلم و بی عدالتی آشکار می داند و آنرا قویاً محکوم می کند. همچنین اجبار خانم رحیمی به پوشیدن چادر و ممانعت از حضور ایشان در دادگاه همسرش غیرقابل قبول بوده و کاملاً محکوم است.

کلیه فعالین کارگری، معلمی، دانشجویی، فعالین جنبش زنان و معترضین بازداشتی آزاد باید گردند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۳ مهر ۱۴۰۱

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

فقط با اتحاد هماهنگ سندیکاهای کارگری می توان دستمزدها را افزایش منطقی داد و قدرت خرید خانواده های کارگری را بیشتر کرد.

دستمزد مناسب با ۸ ساعت کار و تامین کننده نیازهای یک خانواده ۴ نفره از اصلی ترین تلاش های سندیکاهای کارگری است.

پیروزی های کوچک مقدمه پیروزی های بزرگ!

با تحمیل اجرایی کردن قانون افزایش سایر سطوح به دولت، وقت آن رسیده که هیات مدیره های کانون های بی خاصیت را که سالهاست در کانون ها به بی عرضگی مشغولند را بیرون بیاندازیم. در این راستا در انتخابات کانون تهران کارهای خلاف اساسنامه ای زیادی طبق سالهای گذشته صورت می گرفت که با نامه نگاری های متعدد و پیگیری های بازنشستگان تهرانی هیات مدیره کانون عقب نشسته و به شدت نگران انتخابات این دوره کانون تهران می باشند. این دغلكاران که حتا از دادن اساسنامه کانون به اعضا خودداری می کردند با پافشاری و پیگیری بازنشستگان مجبور شدند اساسنامه را در ۱۲ شهریور بالاخره در سایت کانون بگذارند. سایتی که هر ساله بازنشستگان می بایست هزینه هایش را بدهند. در قدم بعدی هیات مدیره مجبور شد اسامی کاندیداها را هر چند با تاخیر ولی با حروف الفبا نه به صورت مهندسی بر روی تابلو اعلانات بگذارد. هیات مدیره کانون که مجبور شده برای تخلفات خود بارها به اداره کار شهرستان تهران بروند قول داده اند که مانع تبلیغات سایر کاندیداها نشوند. این پیروزی ها کوچک است اما مقدمه پیروزی بزرگتری است:

الف) ۲ دوره ای شدن حضور در هیات مدیره ب) سطح سواد اعضای هیات مدیره کمتر از دیپلم نباشد

با این اقدام حداقل نصف بیشتر هیات مدیره های بی عرضه از حضور در هیات مدیره منع خواهند شد.

با حضور در انتخابات کانون تهران و رای به بازنشستگانی که افزایش حقوق سایر سطوح را در میدان رقم زدند بی عرضه ها را از هیات مدیره کانون بیرون کنیم.

هیات تحریریه پیام سندیکا

پیروزی دیگری برای بازنشستگان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با تلاش های کنشگران بازنشستگی پیروزی دیگری را بازنشستگان بدست آوردند که اگر هشیار باشند می توانند آن را گسترده تر کرده و دست مافیا را از هیات مدیره ها کوتاه کنند.

در تاریخ ۱۴۰۱/۶/۱۵ نامه ای به شماره ۱۳۶۹۱۸ از سوی سید فخرالدین نژادموسوی سرپرست اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار به همه کانون های کشور زده شده است. در این نامه دستور داده شده است بند ۷ ماده ۳۰ اساسنامه کانون ها (شرط حداقة یک دوره سابقه عضویت در کانون برای کاندیداتوری در انتخابات هیات مدیره) از متن اساسنامه نمونه کانون های کارگران بازنشسته شهرستان و استان حذف گردد. همچنین به همه هیات مدیره ها دستور داده شده است تا ظرف سه ماه از این دستور نسبت به برگزاری مجمع عمومی فوق العاده و درج در اساسنامه با رعایت تشریفات قانونی اقدام و نتیجه را به اداره کل گزارش کنند.

دوستان این فرصتی است تا ما با جمع آوری امضا در شهرهای خودمان این موارد را نیز در تغییر اساسنامه بگنجانیم (الف) ۲ دوره ای شدن حضور در هیات مدیره (ب) سطح سواد اعضای هیات مدیره کمتر از دیپلم نباشد

با این اقدام حداقل نصف بیشتر هیات مدیره های بی عرضه از حضور در هیات مدیره منع خواهند شد و می توانیم از بازنشستگان شایسته در هیات مدیره ها استفاده کنیم. به امید پیروزی های بیشتر

برای دستیابی به دستمزدی که بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، به سندیکاهای کارگری بپیوندید.

اتاق بازرگانی و اصلاح قانون کار!

چرا مدتی است اتاق بازرگانی به دنبال اصلاح و یا نابودی قانون کار است؟ چه زبانی از طرف قانون کار به اتاق بازرگانی که یک مرکز تجاری است می رسد؟ نوکیسه های اتاق بازرگانی از جمله موسسه خیریه نذر و اشتغال اصفهان به دنبال چه هستند؟

از دهه هفتاد که مشخص شد حاکمیت به دنبال اجرای دستورات صندوق بین المللی پول است تاکنون خصوصی سازی با رانت، اختلاس، فساد در هم تنیده شده اند. در این دزدی آشکار نوکیسه های مافیایی به دنبال زمین زدن صنعت و ربودن اموال مردم هستند. با جراحی اقتصادی در تازه ترین خبر اعلام شده: «کارگران کمتر از نصف استانداردها گوشت مصرف می کنند» یعنی مرگ تدریجی تحمیلی و از سوی دیگر مردم تشویق به فرزندآوری می شوند. این به معنی افزایش نیروی کار و دور انداختن نیرویی است که دیگر نمی تواند چون قبل بازدهی عالی داشته باشد. یکی از ترفندهایی که به تازگی از سوی مافیا دنبال می شود موضوع تعدیل مشاغل سخت و زیان آور و حذف آن از قانون کار است. تا نوکیسه ها بتوانند ایمنی را کمتر رعایت کنند و کارگرانی که توان کار سخت را بعد از چند سال ندارند را به راحتی بیرون کنند. همچنین ۴ درصد بیمه کارکنان مشاغل سخت و زیان آور هم در جیب مبارکشان بماند. در حال حاضر کارخانه هایی چون ذوب آهن، خودرو سازها، فولاد، شرکت واحد اتوبوسرانی ۴ درصد مشاغل سخت و زیان آورشان را به تامین اجتماعی سر هر ماه نمی پردازند.

برداشتن هرگونه تعهد و حمایت دولتی از مزد بگیران و خصوصی سازی تمام عیار یک پیام با خود دارد: «تصرف اندوخته های کارگران در صندوق تامین اجتماعی و ریختن آن به جیب مافیایی لانه کرده در دولت» سالهاست مواد حمایتی قانون اساسی به دور انداخته شده و حالا نوبت قانون کار است که مواد حمایتی اش از بین برود تا آقازاده های نوکیسه بتوانند بیشتر سود ببرند و دولت هم از دست بدهی عظیم ۴ هزار میلیاردی خود خلاص شود و هم دارایی های ۸۰ ساله کارگران را به جیب مافیا بریزد.

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران
با خبرگزاری ایلنا ۱۸ شهریور

چرا مبنای آماری دفاع از افزایش سن بازنشستگان غلط است؟

اگر زحمتکشان یک جامعه را با یک آمارسنجی درست در این خصوص مورد مطالعه قرار دهیم و همه فاکتورهای زندگی را برای آنان در نظر بگیریم، بی‌تردید عدد بدست آمده درباره نرخ امید به زندگی متوسط ۷۵ یا ۷۴ سال نخواهد بود.

به گزارش ایلنا، مازیار گیلانی‌نژاد در یادداشتی به بحث‌های اخیر برخی مسئولان درباره ضرورت افزایش سن بازنشستگی پرداخت. از آنجا که مسئولان در بحث سن بازنشستگی با بخشی از جامعه سر و کار دارند که بیشترین فشار و سخت‌ترین و زیان‌بارترین کارها را داشته و در عین حال کمترین حقوق را در نسبت بسیاری از اقسار دریافت کرده و قدرت دفترچه خدمات درمانی آن‌ها نیز ضعیف است، این اظهارنظر که چون سن امید به زندگی افزایش یافته و باید سن بازنشستگی نیز افزایش یابد، محل ایراد علمی است. گیلانی‌نژاد در این یادداشت نوشته است: در ماه‌های اخیر که بازنشستگان پس از ماه‌ها تلاش نهایتاً به حقوق قانونی خود با توجه به مصوبه شورای عالی کار رسیدند، از سوی برخی مقامات مانند مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری و سرپرست وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی بر اصلاح سن بازنشستگی به دلیل افزایش سن امید به زندگی در میان شاغلین تاکید شده است. اینکه در کشور ما سن امید به زندگی به نزدیک ۷۵ سال رسیده است مایه خوشحالی است، اما این نرخ بیشتر متعلق به چه کسانی است؟ آیا این میزان از امید به زندگی به‌طور جداگانه برای کارگران بازنشسته نیز اندازه‌گیری شده و شامل آن‌ها نیز می‌شود؟ اگر زحمتکشان یک جامعه را با یک آمارسنجی درست در این خصوص مورد مطالعه قرار دهیم و همه فاکتورهای زندگی را برای آنان در نظر بگیریم، بی‌تردید عدد بدست آمده درباره نرخ امید به زندگی متوسط ۷۵ یا ۷۴ سال نخواهد بود.

در این آمار ارائه شده همه مردم در نظر گرفته شدند و از فقیر و ثروتمند درون جامعه آماری اعلام شده قرار دارند؛ در حالی که افزایش سن بازنشستگی بیشتر به زحمتکشان جامعه (بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی) مربوط است، لذا از یک آمار عمومی نباید یک نتیجه خاص گرفت! برای اینکه امید به زندگی در میان گروه‌های زحمتکش و کارگر جامعه مورد توجه قرار دهیم، باید یک آمارگیری مخصوص همین طبقه اجتماعی گرفته شود و این موارد نیز باید در نظر گرفته شود :

۱- آیا حوادث شغلی که روزانه ۱۰ نفر را به کام خود می‌گیرد، در آمار کلی لحاظ شده است؟ اکثر کارگرانی که طعمه سودورزی کارفرمایان شده و به دلیل عدم ایجاد شرایط ایمنی کار جان خود را در حوادث شغلی از دست می‌دهند، کمتر از ۴۰ سال دارند. در ذوب آهن ۹۰ درصد کارگران قبل از رسیدن به ۶۵ سالگی فوت می‌کنند. در صنایع خودروسازی افسردگی ناشی از شدت کار بیداد کرده و باعث مرگ زودهنگام برخی کارگران قبل از ۷۰ سالگی می‌شود. امروز در خودروسازی‌ها بالاترین آمار بیماری موضوع بیماری‌های قلبی و سکنه است .

۲- کارگرانی که قرارداد موقت، پیمانی، سفید امضا دارند هیچ‌گاه نمی‌توانند در سن ۶۰ سالگی ۳۰ سال پرداخت بیمه داشته باشند، چراکه یا برایشان لیست بیمه توسط آن دسته کارفرمایان که متخلف هستند، رد نمی‌شود و یا اینکه به دلیل فواصل زیاد بین کاریابی و بیکاری‌های مستمر، اصلاً نمی‌توانند در ۶۰ سالگی با ۳۰ سال کار بازنشسته شوند. این تازه در صورتی است که تا زمان بازنشستگی، مرگ به سراغشان نیامده باشد .

نشانه صحت این مدعا، آمار حقوقی اکثریت مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی است که حداقل بگیر هستند . به اعتبار مطالب فوق الذکر، برای تعیین سن امید به زندگی باید از زحمتکشان آماری جداگانه گرفت و برای سهولت می‌توان به بایگانی ذوب آهن و خودروسازان بزرگ دولتی مراجعه کرد تا مشخص شود کارگران آن‌ها عمدتاً در چه سنی از دنیا رفتند.

مصاحبه خبرگزاری ایلنا با مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران
در تاریخ ۸ شهریور ۱۴۰۱

چرا مدیران تامین اجتماعی از درآمد ماهانه ۴ درصد سخت و زیان آور که درآمد کلانی است، چشم پوشی می‌کنند اما به دنبال اصلاحاتی چون افزایش سن بازنشستگی، تغییر مبنای محاسبه‌ی مستمری بازنشستگی و در نهایت کاهش سنوات ارفاقی مشاغل سخت و زیان آور هستند؟

به گزارش خبرنگار ایلنا، نسبت نامتعادل بین منابع و مصارف، صندوق تأمین اجتماعی را در وضعیت بحرانی قرار داده است. برای خروج از این بحران، انجام اصلاحات پارامتریک با اولویت دادن به سه مؤلفه‌ی افزایش سن بازنشستگی، تغییر مبنای محاسبه مستمری بازنشستگی و سختگیری در بازنشستگی‌های پیش از موعد، راه‌حلی است که بارها و بارها از زبان مسئولین و کارشناسان مختلف مطرح شده است. اصلاحاتی که بار آن تماماً بر روی دوش کارگران و بازنشستگان است و مدافعان این اصلاحات معتقدند که اگرچه با این اقدام میزانی از فشار بر گروه‌ی کارگران و بازنشستگان وارد می‌شود اما این اصلاحات تماماً به نفع آن‌هاست. مدافعان در پاسخ به این سوال که چرا این فشار باید بر روی دوش کارگران و بازنشستگان بیفتد، خیلی ساده می‌گویند چاره‌ای نداریم. مخالفان اما چاره‌ی حل بحران صندوق تأمین اجتماعی را در پرداخت بدهی دولت به این سازمان می‌دانند و بس. آن‌ها معتقدند علت اصلی چنین بحرانی بدهی انباشته‌ی ۴۵۰ هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق تأمین اجتماعی است و از همین راه هم باید بحران این صندوق بین‌النسلی را حل کرد. آن‌ها می‌گویند دولت به راحتی می‌تواند از بودجه‌های غیرضروری خود بزند و در عوض سهم خود به سازمان تأمین اجتماعی را پرداخت کند و بعد اگر نیاز بود به سمت اصلاحات پارامتریک برود.

نقدی بر نقد سنوات ارفاقی بازنشستگی پیش از موعد

از مؤلفه‌های افزایش سن بازنشستگی و تغییر مبنای محاسبه‌ی مستمری که بگذریم، تأکید بر زیان حاصل از بازنشستگی پیش از موعد بر صندوق تأمین

اجتماعی و لزوم اصلاحات مربوط به بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور از موارد به شدت مورد انتقاد فعالان کارگری است. بازنشستگی‌های پیش از موعد طیفی از بازنشستگی‌هایی هستند که از ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی، یعنی قانون مربوط به بازنشستگی مشاغل عادی، پیروی نمی‌کنند و بازنشستگی آن‌ها با سنوات ارفاقی همراه است. یکی از مهم‌ترین مصادیق بازنشستگی پیش از موعد، بازنشستگی کارگران مشاغل سخت و زیان‌آور است که بازنشستگی آن‌ها مشمول ارفاق ۵ تا ۱۰ ساله می‌شود. طبق قانون، کارهای سخت و زیان‌آور کارهایی هستند که در آن‌ها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار، غیراستاندارد بوده و در اثر اشتغال کارگر، تنشی به مراتب بالاتر از ظرفیت‌های طبیعی (جسمی و روانی) در وی ایجاد می‌شود که نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن است. همچنین طبق قانون، مشاغل سخت و زیان‌آور به دو نوع تقسیم می‌شوند؛ گروه اول، مشاغلی هستند که صفت سخت و زیان‌آوری را می‌توان با به کارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر مناسب توسط کارفرما حذف کرد؛ و گروه دوم نیز مشاغل ماهیتاً سخت و زیان‌آور هستند که با به کارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر فنی توسط کارفرما، صفت سخت و زیان‌آوری آن‌ها کاهش یافته ولی کماکان سخت و زیان‌آوری آن‌ها پابرجاست. با این اوصاف، کارگرانی که مشمول سنوات ارفاقی بابت سختی کار خود می‌شوند، در طول دوره‌ی کاری خود آسیب‌های بسیاری متحمل می‌شوند. این کارگران اگر از حوادث ناشی از کار جان سالم به در برند، معمولاً به خاطر بیماری‌های ناشی از کار، دوران بازنشستگی سختی را می‌گذرانند. پس ارفاقی که در قانون برای این کارگران در نظر گرفته شده است در واقع یک حق کاملاً به جاست و نمی‌توان به بهانه‌ی تقویت بنیه‌ی مالی و پایداری منابع صندوق‌های بازنشستگی از آن گذشت. آن‌ها که چنین ارفاقی را یک بار تحمیل شده بر سازمان و یکی از عوامل اصلی بحران صندوق می‌دانند، چه جوابی برای کارگرانی دارند که جان خود را پای کار در چنین مشاغلی گذاشته‌اند؟ ضمن اینکه برای بازنشستگی کارگران مشاغل سخت و زیان‌آور به قدری سخت‌گیری می‌شود که کارگران نمی‌توانند به آسانی از سد بررسی‌های کمیته‌های سخت و زیان‌آور بگذرند. پس آن‌ها که زودتر از موعد بازنشسته می‌شوند، کارگرانی هستند که همه‌جوره مستحق بازنشستگی پیش از موعد هستند. یکی از کارگران مشاغل سخت و زیان‌آور

که بعد از بیست سال کار در معدن، پرونده خود را برای بازنشستگی به اداره کار و کمیته‌های سخت و زیان‌آور فرستاده و بعد از دو سال هنوز به نتیجه نرسیده است می‌گوید: بعد از سال‌ها کار در معدن انواع و اقسام بیماری‌ها را گرفته‌ام و دیگر حتی یک ساعت هم توان کار در معدن را ندارم.

به جای حذف سنوات ارفاقی بازنشستگی پیش از موعد، ۴درصدها را ماه به ماه بگیرید !

با این اوصاف، باز به این سوال برمی‌گردیم که چرا باید از حقوق کارگرانی که سال‌ها در سخت‌ترین و نایمن‌ترین کارگاه‌ها کار کرده‌اند، مایه گذاشت و به بهانه‌ی عدم تعادل منابع و مصارف صندوق تأمین اجتماعی، حقوق این کارگران را نادیده گرفت؟ آیا چاره‌ای دیگر غیر از زدن از این حیاتی‌ترین حق کارگران وجود ندارد؟

مازیار گیلانی‌نژاد (فعال کارگری) در پاسخ به این سوال می‌گوید: یکی از عوامل اصلی بحران سازمان تأمین اجتماعی عمل نکردن این سازمان به وظایف خود است. در مورد بحران تأمین اجتماعی دائم بر عدم تعادل بین منابع و مصارف تأکید می‌شود اما به جرات می‌توان گفت که تأمین اجتماعی در جایی که باید، برای افزایش این منابع تلاشی نمی‌کند. یکی از این موارد، موضوع ۴درصد پرداخت حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور است. مدیران سازمان تأمین اجتماعی پاسخ بدهند که چرا ۴ درصد مشاغل سخت و زیان‌آور را از کارفرمایان به صورت ماهانه دریافت نمی‌کنند؟ در حال حاضر حتی در واحدهای بزرگ نیز این ۴درصدها به صورت ماهانه پرداخت نمی‌شود درحالی‌که اگر این اتفاق بیفتد، پول قابل توجهی هر ماه به حساب سازمان واریز می‌شود و این می‌تواند بخشی از مسئله‌ی عدم تعادل منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی را حل کند.

این فعال کارگری با این پرسش که «چرا این ۴ درصدها پرداخت نمی‌شود و در صندوق این کارخانه‌ها می‌ماند؟» ادامه می‌دهد: چه کسی دستور داده که درآمد ماهانه‌ی صندوق بعد از ۲۰ سال پرداخت شود؟ با این کار تأمین

اجتماعی از بخشی از درآمدش محروم شده است، درآمدی که می‌توانست بخشی از مشکل سازمان را حل کند. وقتی ۴ درصد مشاغل سخت و زیان‌آور ماه به ماه پرداخت نشود، در اینصورت اگر کارگری بعد از سال‌ها کار اخراج شود و یا فوت کند، این ۴ درصدها در جیب کارفرما می‌ماند. سوال من این است که چرا اصل و سود این پولهایی که باید گره گشای مشکلات صندوق تأمین اجتماعی باشد، ۲۰ سال در جیب کارفرمایان می‌ماند و کسی هم اعتراضی نمی‌کند؟

آغاز اصلاحات از آخر !

چرا مدیران تأمین اجتماعی از درآمد ماهانه ۴ درصد سخت و زیان‌آور که درآمد کلانی است، چشم پوشی می‌کنند در حالی که می‌بایست برای پرداخت حقوق بازنشستگان وام با درصد سود بالا از بانک‌ها بگیرند؟ این سوال را گیلانی‌نژاد می‌پرسد .

سوال گیلانی‌نژاد را البته می‌توان این گونه نیز ادامه داد: چرا مدیران از این منابع درآمدی صرف نظر می‌کنند اما به دنبال اصلاحاتی چون افزایش سن بازنشستگی، تغییر مبنای محاسبه‌ی مستمری بازنشستگی و در نهایت کاهش ارفاق قانونی برای مشاغل سخت و زیان‌آور هستند؟ چرا آن‌ها برای خروج صندوق از بحران به دنبال کاستن از حداقل حقوق کارگران هستند در حالیکه از راه‌های دیگری نیز می‌توان درصدد حل این مشکل درآمد؟ آیا دلیل چنین اقدامی کم اهمیت دانستن حقوق کارگران و بازنشستگان و بی‌توجهی نسبت به آن‌ها نیست؟

گزارش: زهرا معرفت



چرا با پول بیمه تکمیلی درمانگاه نمی‌سازند؟

یک فعال صنفی بازنشستگان کارگری گفت: با مبالغ بیمه تکمیلی می‌توان هر ماهه در سطح کشور یک بیمارستان یا یک درمانگاه مدرن به مجموعه‌ی مراکز ملکی سازمان تامین اجتماعی اضافه نمود.

حسن مرادی (فعال صنفی بازنشستگان کارگری تهران) در گفتگو با خبرنگار ایلنا، در ارتباط با مشکلات درمانی بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تامین اجتماعی گفت: هر ساله ۲ ماه مانده به اتمام مدت قرارداد بیمه تکمیلی آتیه‌سازان، بازنشستگان با مشکلی به نام بدهی‌های این شرکت به بیمارستان‌ها و مجموعه‌های درمانی مواجه می‌شوند و در حقیقت ۲ ماه از سال، بازنشسته محروم از بیمه تکمیلی‌ست، دو ماهی که بازنشستگان سرگردان درمان هستند و ۴۵ هزار تومان به ازای هر نفر همچنان از مستمری بازنشسته کسر می‌شود که مشخص نیست این پول‌ها واقعاً کجا می‌رود! همه‌ی اینها در حالیست که هر ساله از سطح پوشش بیمه تکمیلی بازنشستگان چه به لحاظ کیفیت و چه از منظر کمیت و تعداد مراکز درمانی طرف قرارداد کاسته می‌شود؛ امروز بیمارستان‌های تخصصی چشم پزشکی، پرتو درمانی‌ها و آزمایشگاه‌های

بسیاری، دیگر با آتیه‌سازان حافظ قرارداد ندارند یا به علت بدهی‌های انباشته، بیمه‌ی تکمیلی بازنشستگان را دیگر نمی‌پذیرند.

اما چرا مشکل درمانی بازنشستگان حل نمی‌شود؛ به گفته‌ی مرادی، هر سال همین بساط است؛ پایان قرارداد بیمه‌ی تکمیلی که می‌رسد، بازنشستگان کاملاً درمانده می‌شوند؛ او یک پیشنهاد ارائه می‌دهد: پرسش این است که چرا در زمان گرفتن بدهی از دولت، به جای کارخانه‌های ورشکسته و سهام شرکت‌های زیانبار، بیمارستان یا درمانگاه گرفته نمی‌شود یا چرا با شبانه‌روزی کردن درمانگاه‌های موجود (مراکز ملکی سازمان)، بخشی از مشکلات درمانی بازنشستگان را برطرف نمی‌کنند؟

این فعال صنفی بازنشستگان اضافه می‌کند: هر ماه بدون استثنا، ۴۵ هزار تومان بابت بیمه تکمیلی از مستمری بازنشستگان کارگری کسر می‌شود؛ در تهران بیش از ۱۹۰ هزار بازنشسته عضو کانون داریم که اگر حداقل ۱۵۰ هزار نفر از آنها، عضو بیمه تکمیلی باشند، ماهانه مبلغی نزدیک به ۷ میلیارد تومان که در سال ۸۴ میلیارد تومان می‌شود از حساب بازنشستگان بابت بیمه تکمیلی کسر شده و به حساب بیمه‌گذار واریز می‌شود که به همین نسبت نیز دولت یا سازمان تامین اجتماعی باید به آتیه‌سازان حافظ پرداخت کند؛ بنابراین سالانه مبلغی بالغ بر ۱۶۸ میلیارد تومان به حساب آتیه‌سازان حافظ واریز می‌شود؛ سوال این است که آیا نمی‌توان با همین مبلغ هر سال در تهران یک بیمارستان یا یک درمانگاه به مجموعه‌ی مراکز درمانی ملکی تامین اجتماعی اضافه کرد و درمان کارگران و بازنشستگان را براساس قانون الزام پوشش داد؟ اگر همین محاسبات را در سطح کشور انجام دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که با این مبالغ می‌توان هر ماهه در سطح کشور یک بیمارستان یا یک درمانگاه مدرن به مجموعه‌ی مراکز ملکی سازمان تامین اجتماعی اضافه نمود تا هم درمان رایگان پوشش داده شود و هم به ثروت و دارایی‌های کارگران و بازنشستگان افزوده گردد؛ اما چرا این کار را نمی‌کنند؟ مگر اجرای قانون الزام تامین اجتماعی، یک تکلیف نیست، تکلیفی که دهه‌هاست بر زمین مانده؛ با همین پول‌های بیمه تکمیلی می‌توان این تکلیف را به خوبی اجرا کرد

برخی مراکز درمانی کرج بازنشستگان را نمی‌پذیرند!

به گزارش خبرنگار ایلنا، در ماه‌های اخیر انتقاد به سازوکار و سطح پوشش بیمه تکمیلی بازنشستگان تامین اجتماعی افزایش یافته است؛ بازنشستگان از قیچی شدن بسیاری از خدمات درمانی تحت پوشش بیمه انتقاد دارند.

باید از سازمان تامین اجتماعی و کانون عالی بپرسیم که چرا نظارتی بر عملکرد بیمه‌گذار تکمیلی نیست؛ چرا بیمه‌گذار بدهی خود به مراکز درمانی مختلف را نمی‌پردازد تا بازنشستگان بتوانند با خیال راحت و مرتب از خدمات درمانی بیمه بهره‌مند شوند؟ هزینه بیمه تکمیلی هر ماه، سر موقع و بدون هیچ ارفاقی از حقوق بازنشسته کسر می‌شود؛ اما ما نمی‌دانیم چرا بیمه‌گذار هنوز به مراکز درمانی مختلف بدهی دارد تا جایی که کلینیک‌ها در تهران و کرج اعلام می‌کنند که دیگر بیمه تکمیلی آتیه‌سازان حافظ را نمی‌پذیرند.

برخی مراکز چشم‌پزشکی در استان البرز به دلیل عدم پرداخت بدهی‌های آتیه‌سازان حافظ، دیگر بیمه‌ی تکمیلی بازنشستگان کارگری را نمی‌پذیرند؛ یک بازنشسته مثلاً چند ماه قبل در یک مرکز درمانی و تحت درمان یک پزشک، مداوا شده اما امروز برای ادامه‌ی همان مداوا نمی‌تواند از بیمه تکمیلی استفاده کند. این شرایط باید تغییر کند؛ خلف و عده‌های بیمه‌گذار تکمیلی باید موجب شود که سال آینده یا با او قرارداد نبندند یا قرارداد ببنند که ضمانت اجرایی محکم داشته باشد و بار گرانی‌ها بر دوش بیمه شده نیفتد.

هر سال به انتهای زمان یکساله قرارداد بیمه تکمیلی که می‌رسیم انباشت بدهی‌ها به مراکز درمانی افزایش و سطح خدمات درمانی بازنشستگان کاهش می‌یابد؛ کانون عالی بازنشستگان باید این نواقص و کاستی‌ها را ترمیم کند تا سال آینده بیمه تکمیلی به ضعف و ناکارآمدی امسال نباشد.

هر گلوله فقط یک پرنده را میکشد، اما هزاران
پرنده را به پرواز در می آورد.



[@tahavoleदारoon1](https://www.instagram.com/tahavoleदारoon1)



این عکس در سال ۱۹۷۲ در ایرلند گرفته شده، دختری که با سلاح نامزد زخمی خود در حال نبرد با ارتش بریتانیاست. نامزد دختر بعد از انتقال به بیمارستان از مرگ نجات پیدا می‌کند ولی دختر تا لحظه مرگ نبرد می‌کند. زمانی که فرمانده انگلیسی متوجه می‌شود که با یک دختر در نبرد بود این جمله را با خود زمزمه کرد: از ملکه‌ای دفاع می‌کنیم که به حال ما توجهی نمی‌کند در حالی که این دختر اینگونه به سرزمین و نامزد خود اهمیت می‌دهد سپس دستور داد کسی به جسد دختر نزدیک نشود تا ایرلندی‌ها جسد او را دفن کنند.

این تصویر بعنوان نماد روز زن در ایرلند انتخاب شد و بعدها با این جمله مزین شد: «از ارتباط با زن قوی نهراس شاید روزی برسد که او تنها ارتش تو باشد...»

شمار زنان سرپرست خانوار در ایران رو به افزایش است.

نرجس خاتون اسعدی خلیلی، مدیرکل دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی کشور گفت: «تعداد زنان سرپرست خانوار در کشور طی چند دهه اخیر روند رو به رشدی داشته است به طوری که در حال حاضر ۲۴۰ هزار خانوار زن سرپرست که با اعضای خانواده بالغ بر ۵۸۴ هزار نفر هستند تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار دارند.» به گفته اسعدی خلیلی، از ۲۴۰ هزار خانوار زن سرپرست تحت پوشش بهزیستی ۱۷۱ هزار نفرشان ۲۰ تا ۴۰ سال سن دارند. مدیرکل دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی، «پایین بودن سطح دانش و مهارت‌های شغلی، دسترسی محدود به بازار کار، بالا بودن ساعت کار با حداقل درآمد و مزایا، نبود ارتباط مناسب و کافی بین زنان سرپرست خانوار با صاحبان اصلی مشاغل، وجود مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، نوسانات شدید اقتصادی، افزایش تورم و بالا رفتن هزینه راه‌اندازی کسب‌وکار و همچنین در معرض ورشکستگی قرار گرفتن مشاغل زنان سرپرست خانوار» را از جمله چالش‌های اجرای برنامه‌های توانمندسازی شغلی زنان سرپرست خانوار عنوان کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

کارگران سندیکایی می‌دانند که بدون مبارزه همدوش با زنان برای رفع هرگونه نابرابری موفق نخواهند بود. زنان مبارز ایران به‌درستی می‌دانند که برای محور خشونت علیه زنان و ریشه‌های آن، آگاهی‌رسانی به مردان و زنان- به‌خصوص زنان کارگر، کارمند و زنان سرپرست خانوار- در گام نخست سازمان‌دهی مبارزه‌ی متحد علیه برنامه‌های که هرچه بیشتر خشونت دولتی را در عرصه کار رواج می‌دهند اولین گام برای موفقیت در بهبود وضعیت معیشت خانواده است.

گام دوم رواج عنصر آگاهی در جامعه با هدف زدودن انواع خشونت‌ها، از جمله خشونت ضد زنان، در میهن خشونت‌زده ما است. این امر با مبارزه در راه بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های کارگری و کارمندی پیوندی مستقیم دارد.

تجاوز جنسی، مرگ و جامعه

گزارش آنچه بر شلیر رسولی، قربانی تجاوز جنسی در میوان گذشت، با اشاره به نظام لات‌پرور، و مقاومت و همبستگی مردم که در تظاهرات این روزها در میوان جلوه‌گر شد. نمایش مشخصات تصویر لیر رسولی، زمینه: مراسم خاکسپاری شلیر رسولی، قربانی سوء قصد تجاوز جنسی در شهر میوان، پس از چند روز بستری شدن در کُما جانش را از دست داد. شلیر رسولی اصالتاً اهل روستای چشمیدر منطقه هورمان ژاوه‌رود و ساکن میوان بود. همسرش کارگر بود و در کردستان عراق کار می‌کرد. گوران قادری مشهور به «گوران قاسمه سپور» یکی از اوباش مشهور میوان، فرد مهاجمی بود که در غیاب همسر شلیر و با فریب به او حمله کرد. فرزند یک کارگر شهرداری بود و از لحاظ مالی وضعیتش تعریفی نداشت. شلیر پیش از این چندین بار همسر مریض گوران را با ماشین خودش به بیمارستان منتقل کرده بود. پس از این که همچون همیشه گوران قادری از شلیر برای کمک به همسرش طلب کمک می‌کند، او گمان می‌کند این بار هم مثل همیشه به کمک او نیاز دارند. غافل از این که این بار همسر مهاجم در خانه نبوده و او قصد دیگری داشته. شلیر پس از آن که هیچ چاره دیگری برای مقاومت در برابر او نمی‌یابد به ناچار خود را از ساختمان به بیرون پرتاب می‌کند و در اثر ضربه‌های وارد شده ناشی از این فرار، پس از چند روز جانش را از دست داد.

مرگ دهشتناک شلیر

مرگی شلیر، بسیار وحشتناک و تأسف‌آور بود. تجاوز همواره همراه با ترس و وحشت است و قربانی تجاوز معمولاً به فردی درهم‌شکسته، مضطرب و فراموش‌شده تبدیل می‌شود. اما شلیر پرتاب شدن به سوی مرگ را به همه انگ‌ها و تجربه‌های تلخ پس از تجاوز ترجیح داد. مرگ او بسیار تلخ بود، اما موضوع بسیار بدتر و تأسف‌آورتر از آن، این است که او نه اولین قربانی تجاوز جنسی بود و به احتمال زیاد، نه آخرینش. آن هم در شهری که مناسبات اجتماعی طوری چیده شده که «لات‌پروری» به جزئی از ساختار زندگی روزانه شهری آن تبدیل شده است.

فریبا دانش مهر



تقدیم به همه خفتگان بی نام

او فرزند ایران است شعری از هوشنگ ابتهاج

بر سنگ گوری تازه، نامی هست

دارنده این نام را هرگز ندیدم من

اینجا میان سوگواران آشنایانند و خویشانند

و مردمانی هم که چون من

دارنده این نام را هرگز ندیدند و نمی دانند

اما

هرکس که اینجا هست

با خشم و فریادی - گره در مشتم -

می داند ، که او را کشت؟

برگرد گور تازه جمعی سوگواران است

دیگر کسی اینجا نمی پرسد:

«این خفته در خاک از کجا و از کدامان است؟»

می دانند، او فرزند ایران است.

تئوری ماشه

در علم روان شناسی امروز، در تحلیل پویایی رفتار آدمی، یک تئوری وجود دارد بنام تئوری تلنجر یا ماشه که در انگلیسی به آن تئوری Trigger می گویند. منظور این است که وقتی زمینه قبلی برای برآمد یک رفتار یا تغییر آماده شود، یک تلنجر کافی است که انرژی تلمبار شده یا اشباع شده را به حرکت در آورد. کشته شدن مهسا دختر ۲۲ ساله کردستانی در آستانه سر ریز شدن خشونت فروخته چهل و اندی ساله، نقش همان ماشه را بازی کرد.

واکنش ایرانیان از ترک و فارس و کرد و بلوچ و تهرانی و شهرستانی، این احساس خفته را بیدار کرد که (ما تنها نیستیم). این احساس عمیق تعلق به دیگران، به یک شهر، به یک قوم، و به یک کشور، چنان انرژی مثبتی را آزاد کرد که ترس و در خود فرو رفتگی و افسردگی اجتماعی را به یکباره به همبستگی و هم سرنوشتی تبدیل کرد و خشم بر ترس و امید بر فرق درماندگی نشست و رانش زندگی را بر رانش مرگ و مرده پرستی مسلط کرد.

آنچه که در این هفته در سراسر ایران دیدیم، انفجار خشم و هم احساسی فرا جناحی و پیوستگی و همدلی بخش وسیعی از ایرانیان بود. در واقع فرصتی شد تا "احساس هوایی خورد".....

ما روان شناس ها به درستی می دانیم که عمر احساس کوتاه است. هورمون های زیستی و ناقلان عصبی ما محدودیت دارند. لذا لازم است تا احساس با ادراک، همپیمان شوند تا انرژی موجود، به حل مسئله موجود بکار گرفته شود. ادراک و خردمندی خسته نمی شوند.

موتور بزرگ به راه افتاده است. احساس خشم و انرژی رها شده همان موتور بزرگ است. این موتور بزرگ حتما به موتور کوچک نیاز دارد، به ناخدایان

کارگشته و از خود فرا رفته تا کشتی طوفان زده را به ساحل نجات رهنمون شوند. خردمندی و عقلانیت و راهگشایی همان موتور کوچک است. همان مغز ۱۵۰۰ گرمی ماست که بر بدن ۱۵۰ کیلویی ما فرمان می راند. همان ناخدای کشتی است که با خردمندی و شکیبایی و از خود فرا رفتن، از طوفان می گذرد. بولدوزورها سرشار از انرژی تخریب هستند این راننده و مهندس باتجربه است که نقشه را در دست دارد و بولدزور را به تخریب برای ساختن فردا بکار می گیرد. بدون دخالت مغز و تفکر و روش های حل مسئله، چه بسا که خشم و انرژی به بیراهه روند.

ما در گفتگو با مددجویان و انسان های دیگر دیده ایم که انسان ها به کرات اشتباه می کنند و اشتباهات خود را به فرصت تبدیل می کنند چون فرصت آموزش و یادگیری مجدد دارند. ما از خیزش های ۴۰ ساله خود بسیار آموخته ایم و فرصت فرا رفتن از اشتباهات خود را تجربه کرده ایم، اما دیکتاتورها فقط یکبار اشتباه می کنند و با همین یکبار اشتباه به صفحات تاریخ می روند.

هنگامی که ادراک جمعی ما با احساس جمعی ما، هماهنگ شوند، یعنی موتور کوچک با موتور بزرگ هماهنگ کار بکنند. شرایطی پیش می آید تا اشتباه دیکتاتور ممکن می شود. سیستم سرکوب هم بیکار ننشسته است و مرتب نقشه می کشد و شیوه های کهنه خود را نو می کند تا به اشتباه نرسد. شاید نقشه خسته شدن و فرسایش ما را تهیه دیده است. فرصت برای همفکری مغزهای کوچک و موتورهای کوچک فراهم است. این مغزهای کوچک و موتورهای کوچک، لازم است یکی شوند تا به خردجمعی تبدیل شوند. ستاد هماهنگی تشکیل دهید. شادتر باشید و امیدوار تر.

اشکیوس طالبی - روان شناس

به مناسبت یازدهمین سال انتشار نشریه کارگری پیام سندیکا

سلام، سلام سندیکا

یئنه قاپئنی دؤیدؤ

سندیکانین پیامی!

سلام، سلام سندیکا

ای جانیمین دوامی

دینم ده ایمانیم دا

داماریمدا قانیم دا

مسلکیم، مرامیم دا

سندیکانین مرامی

بوگونؤمون دایاغی

قارانلیغین چیراغی

صاباحیمین بایراغی

کارگر فلزکار شاعیر ذوالفقار کمالی

سندیکانین قیامی

ترجمه:

به خانه ام دوباره آمد، پیام آور سندیکا، سلام سلام سندیکا، قدرت دهنده جانم

دینم و ایمانم، همچو خون در رگهایم، ای مسلک و مرامم، مرام من سندیکاست.

تکیه گاه امروزم، چراغ شب های تارم، ای پرچم فردایم، تلاش های سندیکا

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

سرمایه داری هراس عمیقی از سازمان یافتگی جنبش کارگری و تاثیرهای آن بر جنبش عمومی آزادیخواهی دارد و از این رو در سال های اخیر همه تلاش های خود را به کار بسته است تا از نزدیکی، هماهنگی و مبارزه مشترک زحمتکشان در کنار دیگر سازمان های اجتماعی جلوگیری کند.

خواسته های زحمتکشان جدا از خواسته های پرستاران، خبرنگاران، آموزگاران، هنرمندان، نویسندگان، دانشجویان و زنان و حتا دانشمندان مردمی نیست. ما خواهان بهبودی وضعیت معیشت مردم ایران، رفع فقر و بیکاری و آزادی های انسانی هستیم.

سندیکا سنگر زحمتکشان

سندیکا در اصطلاح به واحد تشکیلاتی و سازمان کارگران متشکل گفته می‌شود که از حقوق و منافع و مصالح مشترک اعضای خود در برابر هرگونه تعدی و تجاوز به حقوق، آسیب کاری و نبود ایمنی کار دفاع می‌کند و از این راه هویت صنفی و طبقاتی خود را نشان می‌دهد و نیز استقلال عمل دفاعی خود را به اثبات می‌رساند. مانند سندیکاهای کارگری در رسته‌ها و صنف‌های گوناگون آن و سندیکاهای کشاورزان.

بیشتر سندیکاهای پیگیر اهداف و منافع صنفی و اقتصادی اعضای خود هستند و برخی نیز در پشت هدف‌های اقتصادی پیگیر مقاصد عیان و یا نهان خود می‌شوند

در بسیاری از کشورهای صنعتی و پیشرفته غربی از حدود ۱۵۰ سال پیش به این سوی از سر ضرورت و الگوگیری از کارگران فرانسوی، سندیکاهای صنفی شغلی به صورت قانونی تشکیل و تاسیس شده‌اند و به طور علنی آغاز به فعالیت‌های سندیکایی مربوط به رشته کاری و طبقه خود کرده‌اند، از آموزش کارگران تا شناخت حق و حقوق خود تا چگونگی حمایت از موقعیت و منافع طبقه خود.

تا پیش از تشکیل سازمان‌ها و سندیکاهای کارگری بیکاری روز افزون ناشی از انقلاب صنعتی در کشورهای غربی و ماشینی شدن تولید و تقابل دستمزدها، فقر هر دم افزون، سختی معیشت، فقدان تضمین اقتصادی و شغلی، فقدان کار ایمن و بهداشتی، فقدان تامین اجتماعی و فرسایش شدید بدنی و روحی کارگران شاغل در این صنایع جدید سبب شدند تا متفکران و مصلحان اجتماعی گرا و پیشروان کارگری، موسس نخستین سازمان‌های کارگری شوند تا از راه این سازمان‌ها به صورت گروهی و جهانی به

مذاکره و چانه زنی با کارفرمایان و صاحبان صنایع بپردازند و امتیازات چشمگیر کاری و حقوقی و رفاهی و ایمنی از کارفرمایان و صاحبان بگیرند. در مجموعه تلاش های فکری و عملی و موفقیت فعالیت های سازمانی و سندیکایی کارگران کشورهای غربی بوده و دستاوردهای چون کسب بخشی از حق و حقوق خود و امتیازات چشمگیر رفاهی و تامینی در دیگر بخش های زندگی کارگری بود که در دیگر کشورهای جهان عقب نگهداشته نیز کارگران بیدار شدند و به کنش افتادند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

اعتیاد، تن فروشی، کلیه فروشی، گورخوابی، کارتن خوابی محصول فقر است. فقر از بیکاری بوجود می آید. از درآمد افسانه ای بانک شهر شهرداری تهران می توان برای پدران و مادران بیکار شغل ایجاد کرد و به کلیه فروشی، تن فروشی، گور خوابی و کارتن خوابی نقطه پایان گذاشت.

فاحشه را خدا فاحشه نکرد

بلکه آنان که در شهر نان قسمت می کنند ،

او را لنگ نان گذاشته اند

تا هر زمان لنگ هم آغوشی شدند ،

او را به نانی بخرند ●

ما چه می خواهیم!

انجمن کنشگران سالمندی تلاش دارد دوران سالمندی به روزهای انتظار مرگ نینجامد و به دنبال بستر سازی مواردی است که دوران سالمندی را لذت بخش کند. می توان بعد از ۶۰ سالگی برنامه ای مدون برای حداقل ۲۰ سال دیگر عمر تهیه و اجرایی نمود. لذا با توسل به قوانین و آیین نامه های کشور انجمن قصد دارد موارد زیر را اجرایی کند:

- ۱- رایگان شدن کلیه خدمات بهداشتی و درمانی از صفر تا صد برای سالمندان بالای ۷۰ سال طبق اصل ۲۹ قانون اساسی
- ۲- ارتقا سطح خدمات صندوق های بازنشستگی در خصوص درمان و نگهداری سالمندان بازنشسته و متناسب سازی مبلمان شهری جهت تردد آسان سالمندان
- ۳- اجرا شدن مراقبت از سالمندان بالای ۷۰ سال توسط پرستاران دور دیده توسط صندوق های بازنشستگی، بهزیستی، کمیته امداد و شهرداری ها بصورت رایگان
- ۴- پیشنهاد ایجاد طب سالمندی و آماده سازی پرستاران مخصوص نگهداری از سالمند به دانشگاههای علوم پزشکی
- ۵- ساخت و راه اندازی شهرک سالمندان، آرامنشهری جهت زیست جمعی سالمندان که از لحاظ رفاه، امنیت، آرامش و آسایش سالمندان نمونه و منحصر به فرد باشد و طبق آخرین استانداردهای بین المللی و با استفاده از دستاوردهای دیگر کشورها در زمینه سالمندی باشد. نه آنکه به اتاق های انتظار مرگ تبدیل شود، بخشی از اهداف انجمن سالمندان است.

این موارد تحقق نخواهد یافت مگر آنکه خردجمعی و همکاری همه عزیزان سالمند در سراسر کشور را پی داشته باشد. لذا خواهشمندیم در زمینه سالمندی اگر پیشنهاد، مقاله، پژوهش و یا همکاری میدانی می توانید انجام دهید به انجمن خبر دهید.

کمک مالی و تبلیغ اهداف انجمن کنشگران سالمندی و عضوگیری از وظایف همیشگی همه اعضای انجمن می باشد.

با آرزوی موفقیت انجمن کنشگران سالمندی ایران

منشور حقوق سندیکایی کارگری

کارگران حق دارند سندیکاهای کارگری تشکیل دهند ، به سندیکاهای موجود بپیوندند و بی آنکه اجازه یا نظارت مقامات دولتی یا کارفرمایان لازم باشد ، در هر فعالیت سندیکایی شرکت کنند.

کارگران حق دارند در محل کار خود یا در هر جای دیگر گرد هم آیند ، به مذاکره بنشینند و عقاید خود را در خصوص تمام مسائلی که به آنان مربوط است ، آزادانه ابراز دارند.

کارگران حق دارند، نشریات مورد نظر خود را بخوانند، نشریه‌های سندیکایی و کارگری را پخش کنند و به تبلیغ برای سندیکاها بپردازند.



تصویر تکان‌دهنده آغاز سال تحصیلی در ادلب سوریه

□ در فقدان دموکراسی و در اثر جنگ میان حامیان و مخالفین بشاراسد، در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ بیش از نیم میلیون نفر از جمعیت ۱۸ میلیونی سوریه که ۴۰ هزار نفرشان کودک بودند کشته شده ۵ میلیون نفر در خارج و ۹ میلیون نفر در داخل کشور آواره شده‌اند!

□ رضا وثوقی (روزنامه‌نگار): ممکن است دهها کتاب درباره جنگ داخلی سوریه نوشته شود، صدها سمینار بررسی تبعات این جنگ یا جلساتی برای تحلیل شیوه حکمرانی. اما یک عکس، همین عکس می‌تواند بجای هزاران کتاب و کلمه سخن بگوید.



جشن روز جهانی سالمند در دفتر انجمن کنشگران سالمندی ایران